

خودباوری ملی و ارتباط آن با ایمان

سیدحکمت الله سجادی (نویسنده و فعال حوزه رسانه)

خودباوری اصطلاحی است که امروزه در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی به کار می‌رود و منظور از آن حالت مثبت روحی و روانی است که در نتیجه احساس ارزشمندی در نفس انسان پدید می‌آید و او را آماده می‌سازد تا از طریق بهره‌گیری از لیاقت‌ها و توانمندی‌هایی که دارد، به انجام وظایفی که برعهده اوست قیام نماید و در این راه، از مشکلات و موانعی که پیش می‌آید هراسی به دل راه ندهد.

از این حالت روحی در فرهنگ اسلامی با تعابیری چون همت، مناعت طبع، اعتماد به نفس، عزت نفس و... یاد می‌شود. درواقع خودباوری، باور به استعدادها، توانایی‌ها و نیروهای نهفته فطری درونی است که با اتکا به آن می‌توان به اهداف مورد نظر در زندگی رسید و به آنان جامه عمل پوشاند. مرحله عالی خودباوری، شکوفایی همه استعدادها بالقوه است.

خودباوری ملی: هر ملتی دارای فرهنگ و تمدن خاصی است که در طول قرون متمادی در سایه تلاش نخبگان آن شکل می‌گیرد. خودباوری ملی، در مقابل از خودبیگانگی و خودباختگی ملی مطرح می‌شود. گاهی افراد یک جامعه بر اثر ناآگاهی یا تحت تأثیر تبلیغات سوء و جذاب دشمنان، به سنت و باورهای ملی و فرهنگی خود پشت می‌کنند و از نمادها و ارزش‌های رایج در جوامع دیگر پیروی و تقلید می‌کنند. این کار به تدریج، راه نفوذ و تسلط همه‌جانبه بیگانگان را در عرصه‌های مختلف هموار می‌سازد. در نهایت، کیان و استقلال آن جامعه را با خطر جدی مواجه می‌سازد.

در تاریخ جوامع اسلامی به نمونه‌های فراوانی از این‌گونه جوامع برمی‌خوریم. برای مثال ترکیه دوران آتاترک و حتی ترکیه امروز در مقابل غرب، و ایران دوره رضاخان و بسیاری از جوامع دیگر، مصداق روشنی از مردمی هستند که به خودباختگی ملی گرفتار آمده‌اند.

خودباوری دینی

خودباوری دینی یعنی باور به اینکه ساختار خلقت انسان به گونه‌ای است که برای داشتن یک زندگی صحیح نیازمند علم و آگاهی است که بهترین و کامل‌ترین نوع علم و آگاهی در کلام خداوند و سیره معصومان (علیهم السلام) است. دین اسلام، نسبت به سایر ادیان کامل‌تر است و هیچ دینی بر آن برتری ندارد. اسلام، تنها دین مورد قبول خداوند است. خودباوری ملی در هر جامعه‌ای عاملی برای به کار افتادن مؤثر همه اجزای تشکیل‌دهنده و لازمه رشد و دستیابی به پیشرفت‌های وسیع در ابعاد مختلف است. ایمان، اعتقاد و امید به آینده، اعتقاد به داشته‌های ملی و دینی از پایه‌های خودباوری است.

عوامل تقویت و ضعف خودباوری ملی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در تقویت و پرورش خودباوری ملی تمسک به اسلام و بازگشت به خویشتن است. حضرت امام خمینی در این‌باره می‌فرماید: «اگر ما بخواهیم استقلال پیدا کنیم، آزادی پیدا کنیم، مملکت خودمان را خودمان اداره کنیم، باید خودمان را پیدا کنیم. باید از این غربزدگی بیرون برویم. خیال نکنیم همه چیز آنجاست و ما هیچ نداریم... ما همه چیز داریم. فرهنگ ما فرهنگ غنی است؛ باید پیدایش کنیم.»

حضرت امام با بیان این مطالب به این مسئله اشاره دارند که باور توانایی‌ها انسان را توانا و خودباختگی انسان را ضعیف می‌کند.

استقلال، حفظ وحدت و پرورش خودباوری، نفی خودباختگی، فرهنگ، آموزش‌های دینی و اجتماعی، پیشرفت و توسعه علمی، اقتدار ملی، امنیت ملی، تقویت مساجد، حسینیه‌ها و تکایا از دیگر عواملی هستند که منجر به تقویت و پرورش خودباوری ملی می‌شوند.

عوامل ضعف خودباوری

اما عوامل عمده ضعف خودباوری در فرد و جامعه را از زبان مقام معظم رهبری، می‌توان چنین برشمرد:^۱

۱. ناآگاهی نسبت به لزوم خودباوری؛ ۲. احساس حقارت؛ ۳. تردید؛ ۴. منفی‌بافی؛ ۵. ترس و عدم اطمینان؛ ۶. تقلید کورکورانه؛ ۷. تبلیغات گسترده دشمنان؛ ۸. اختلاف و تشتت؛ ۹. تجمل‌پرستی و افزون‌خواهی؛ ۱۰. شایعه‌پراکنی و شایعه‌پذیری.

مسجد محل تقویت باورهای دینی و ملی

منبع اصلی باورهای اجتماعی و اسلامی ما مسلمانان از «مسجد» نشئت می‌گیرد. با تقویت مساجد و حضور پرشور در این مکان مقدس و تقویت باورهای ملی و دینی تلاش کنیم تا این عوامل ضعف در خودباوری ملی را کاهش دهیم. هرگاه ایمان ما قوی‌تر شود، توانمندی ما بیشتر می‌شود و در نتیجه خودباوری ما تقویت می‌شود.

استکبار جهانی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های مختلف، درصدد القای ناکارآمدی نظام اسلامی بوده است و با استفاده از حرب‌های مختلف، به تخریب «خودباوری ملی» و عدم توانایی برای رفع مشکلات و بهره‌گیری از توان ملی و بومی بوده است. البته چنین رفتاری از سوی کشورهای استکباری، ریشه در سابقه و پیشینه استعماری آنها داشته و با مرور تاریخ ریشه‌های اصلی آن قابل بررسی است. اما آنچه امروز بیش از پیش برای رشد و پیشرفت کشور قابل تأمل و بررسی است؛ شناخت خودباوری ملی و عوامل مؤثر بر آن است.

از نظر اسلام انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و دارای شخصیت و هویت مستقل هستند؛ لذا حق ندارند خود را تحت سلطه دیگران قرار بدهند. اما اینکه چرا بعضی از ملت‌ها همیشه زیر سلطه دیگران زندگی می‌کنند و افراد زورگو و دولت‌های استعمارگر آنها را اسیر خود کرده‌اند، دلایل گوناگون دارد. گاهی جهل و نادانی انسان‌ها باعث شده که در زیردست دیگران زندگی کنند و گاهی غفلت و سهل‌انگاری بشر موجب شده که از زندگی مستقل و راحت بی‌بهره بمانند. ولی شاید مهم‌ترین عامل، نداشتن ایمان و جهان‌بینی درست است که بر پایه اسلام بنا شده باشد.

طنطاوی، مفسر اهل سنت در تفسیرش می‌گوید: «انحطاط مسلمین و ترقی اروپا از یک نقطه شروع شد و آن اعراض از دین است».

اگر بخواهیم از دیدگاه جامعه‌شناسانه به این موضوع بپردازیم، دورکهایم قویاً بر این واقعیت تأکید می‌کند که دین هرگز یک موضوع اعتقادی صرف نیست؛ بلکه همه ادیان متضمن اعمال، تشریفات و شعائر منظمی هستند که در آن گروهی از مؤمنان گرد هم می‌آیند. در این مراسم حس همبستگی گروهی تأیید و تقویت می‌شود. تشریفات افراد را از امور زندگی روزمره و نامقدس به قلمرویی متعالی وارد می‌کند که در آن اعضای گروه خود را در ارتباط با نیروهای عالی‌تر احساس

می‌کنند. این نیروها متأثر از حقیقت بیان نفوذ اجتماع و تأثیر جمع بر فرد است.^۲ این نمونه‌ها را می‌توان در مساجد، حسینیه‌ها، کلیساها و... مشاهده کرد. از این مکان‌های مقدس، «مسجد» است که با تقویت باورهای ملی، فرهنگی و مذهبی جامعه را به سمت تعالی سوق می‌دهد.

امروز حکام غربی به عظمت اسلام اذعان دارند و معتقدند که اسلام تنها مکتبی است که کمونیست را شکست داد. در حالی که ما از آنها شکست خورده بودیم؛ چرا که اسلام هم به دنیا توجه دارد و هم به آخرت. در همین راستا، استعمار تمام نیروی خود را به کار گرفته است تا برنامه‌های مترقی اسلام را نامناسب با جهان امروز نشان بدهد. آنها از خودباوری ملی و ایمان ما می‌ترسند؛ لذا با پایین آوردن ارزش‌های اسلامی توسط عمال خود فروخته داخلی چنین وانمود می‌کنند که احکام اسلامی نمی‌تواند خواسته‌های ملل مترقی امروز را برآورده کند.

پی‌نوشت:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم جیرفت ۱۳۸۴/۰۲/۱۷.

۲. گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ ص ۵۰۴.